

The Function of Individual Devotional Jurisprudence in Creating Spontaneous Order in Society¹

Iman Kakavand 

Researcher at the Islamic Seminary of Qom, Iran
imankakavandzaman@yahoo.com



Abstract

Achieving spontaneous order is one of the key components of social governance and a crucial factor in the growth and development of societies. Over the past centuries, as societies have transitioned from traditional structures to systematic governance, attaining stable order has become increasingly important. Consequently, sociologists have proposed various theories on this issue. Examining and analyzing the functional role of religion in social systems and its impact on maintaining social equilibrium and order is a fundamental challenge in the sociology of religion. One of the key questions in this field is how individual acts of worship—one of the practical aspects of religion—function to prevent disorder in society. This study explores the role of individual devotional practices in fostering spontaneous social order across three dimensions: behavioral, cognitive, and emotional. Using a descriptive-analytical approach, it examines the relationship between individual acts of worship and their impact on behavior, cognition, and emotions. The findings

1. Kakavand, I. (2021). The function of individual devotional jurisprudence in creating spontaneous order in society. *Journal of Fiqh and Politics*, 2(4), 161–193.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2025.70882.1050>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

▣ **Received:** 2025/01/19 • **Accepted:** 2025/03/02 • **Published online:** 2025/03/12

indicate that individual devotional practices contribute to behavioral refinement, emotional regulation, and the strengthening of cognitive foundations, thereby directly reducing societal disorder. By improving **individuals' behavior, emotions, and knowledge, the foundations of spontaneous social order are established, leading to a self-sustaining state of order in society.**

Keywords

Function of jurisprudence, spontaneous order, individual jurisprudence, society, behavior, emotion, cognition.



وظيفة الفقه العبادي الفردي في تحقيق النظام التلقائي في المجتمع^۱

إيمان كاكاوند 

باحث في الحوزة العلمية في قم، إيران
imankakavandzaman@yahoo.com



الملخص

إنّ تحقيق النظام التلقائي (العفوي) يُعدّ من العناصر المهمة لإدارة المجتمع، وهو العامل الأهمّ في نمو المجتمعات وتقدّمها. ومع خروج المجتمعات من حالتها التقليدية خلال القرون الأخيرة وانتقالها إلى الإدارة المنهجية، اكتسب تحقيق النظام المستدام أهمية مضاعفة، مما دفع علماء الاجتماع إلى تقديم نظريات مختلفة حول هذا الموضوع. تعتبر دراسة وتحليل الدور الوظيفي للدين في النظام الاجتماعي ودوره في الحفاظ على التوازن والنظام الاجتماعي أحد التحديات الأساسية في دراسات علم اجتماع الدين. ومن بين الأسئلة المهمة والأساسية في هذا السياق: هو كيفية عمل العبادات الفردية، باعتبارها أحد الجوانب العملية للدين، في منع ظهور حالات الفوضى في المجتمع. في هذه المقالة، يتمّ دراسة دور (وظيفة) العبادات الفردية في تحقيق النظام الاجتماعي التلقائي من خلال ثلاثة محاور: الوظيفة السلوكية، والمعرفية، والعاطفية. لتحقيق ذلك، تمت دراسة العلاقة بين العبادات الفردية وتأثيرها على سلوك الأفراد ومعرفتهم وعواطفهم باتباع منهج وصفي-تحليلي. تشير نتائج البحث إلى أنّ العبادات الفردية تُسهم في تحسين السلوك والعاطفة وتعزيز الأسس المعرفية

۱. استناداً إلى المقالة: كاكاوند، إيمان. (۱۴۰۰). وظيفة الفقه العبادي الفردي في تحقيق النظام التلقائي في المجتمع، الفقه والسياسة، ۲(۴)، صص ۱۶۱-۱۹۳.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2025.70882.1050>

□ التصنيف: علمية محكمة؛ الناشر: مكتب الإعلام الإسلامي للحوزة العلمية في قم (المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران) © المؤلفون

□ تاريخ الاستلام: ۲۰۲۵/۰۱/۱۹ • تاريخ القبول: ۲۰۲۵/۰۳/۰۲ • تاريخ النشر الإلكتروني: ۲۰۲۵/۰۳/۱۲

۱۶۳
فقه
سیاسی

کارکرد فقه عبادی فردی برای ایجاد نظم خود-جوش در جامعه

للأفراد في المحاور الثلاثة المذكورة، ولها علاقة مباشرة بتقليل الفوضى في المجتمع. ومع تحسين السلوك والعواطف والمعرفة لدى أفراد المجتمع، تتأسس قواعد النظام الاجتماعي التلقائي ويُحقق النظام بشكل تلقائي (عفوي) داخل المجتمع.

الكلمات المفتاحية

وظيفة الفقه، النظام التلقائي، الفقه الفردي، المجتمع، السلوك، العاطفة، المعرفة.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱۶۴
فقه
سیاسی

سال دوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ (پیاپی ۴)

کارکرد فقه عبادی فردی برای ایجاد نظم خودجوش در جامعه^۱

ایمان کاکاوند

پژوهشگر حوزه علمیه قم، ایران
imankakavandzaman@yahoo.com



چکیده

رسیدن به نظم خودجوش از مؤلفه‌های مهم اداره جامعه بوده و مهم‌ترین عامل رشد و پیشرفت جوامع است. در طول سده‌های اخیر که جوامع از حالت سنتی خارج شده و به‌صورت نظام‌مند اداره می‌شود، رسیدن به نظم پایدار اهمیت دوچندان پیدا کرده و به همین دلیل جامعه‌شناسان در این مورد نظریات متفاوتی ارائه داده‌اند. بررسی و تحلیل کارکردی دین در نظام اجتماعی و نقش آن در حفظ تعادل و نظم اجتماع یکی از چالش‌های اساسی مطالعاتی در جامعه‌شناسی دین بوده است. در این میان یکی از سؤالات اساسی و مهم، چگونگی کارکرد عبادات فردی به‌عنوان یکی از بخش‌های عملی دین برای جلوگیری از بروز شرایط بی‌نظمی در جامعه است. در این مقاله کارکرد عبادات فردی برای ایجاد نظم اجتماعی خودجوش در سه بخش کارکرد رفتاری، معرفتی و عاطفی بررسی می‌شود. برای این کار رابطه بین عبادات فردی و تأثیر عبادات فردی بر رفتار، معرفت و عاطفه افراد به‌روش توصیفی-تحلیلی مورد مطالعه قرار گرفته است. براساس یافته‌های تحقیق، عبادات فردی در هر سه بخش مذکور باعث اصلاح رفتار، عاطفه و تقویت مبانی معرفتی افراد شده و رابطه مستقیمی با کاهش بی‌نظمی در جامعه دارد. با اصلاح رفتار، عواطف و معرفت افراد جامعه پایه‌های نظم اجتماعی خودجوش شکل گرفته و نظم به‌صورت خودجوش در جامعه برقرار می‌شود.

کلیدواژه‌ها

کارکرد فقه، نظم خودجوش، فقه فردی، جامعه، رفتار، عاطفه، معرفت.

۱. **استناد به این مقاله:** کاکاوند، ایمان. (۱۴۰۰). کارکرد فقه عبادی فردی برای ایجاد نظم خودجوش در جامعه، فقه و سیاست، ۲(۴)، صص ۱۶۱-۱۹۳.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2025.70882.1050>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۳۰ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۲/۲۲

مقوله نظم خودجوش از مباحث مهم اداره اجتماع و سامان دادن امور جامعه است. برای ایجاد نظم در جامعه دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شده و هر کدام برای این مهم راهکار متفاوتی ارائه داده است. در این میان اسلام نیز به عنوان دین جامع و جاودان باید برای اداره جامعه اسلامی نیز در این میدان صاحب نظر باشد. اسلام نظم را از ارکان مهم زندگی اجتماعی می‌داند. بنابراین باید برنامه نظم اسلامی را در منابع اسلامی استخراج کرد. یکی از بخش‌های مهم دین اسلام که متکفل بیان حدود و ثغور افعال مکلفان، و ماحصل منابع اصیل اسلام است بخش فقه و احکام شرعی می‌باشد. فقه از بخش‌های مختلفی تشکیل شده و بخشی از آن مرتبط با جامعه و بخشی از آن مرتبط با افعال فردی است. این پژوهش احکام عبادی و فردی را مورد بررسی قرار داده و درصدد تجزیه و تحلیل احکام عبادی فردی، و تأثیر این احکام در ایجاد نظم خودجوش است. فقه عبادی فردی حاوی زیربنای نظم‌سازی است. زیربنای فقه عبادی می‌تواند بستری مناسب برای ایجاد نظم اجتماعی شود. برای ایجاد نظم اجتماعی وجود ناظم مهم بوده، لکن کافی نیست، بلکه ضمانت اجرایی نیاز دارد. در ساختار نظم اجباری ضمانت اجرایی ناظم و نظارت‌های اوست و در صورتی که ناظم نباشد یا بتوان ناظم را فریب داد، امکان تخطی حاصل می‌شود. به همین دلیل است که با وجود گذشت سال‌ها از سابقه ساختارهای نظم اجباری هنوز نظم به معنای واقعی برقرار نشده است، اما بستری که فقه عبادی برای ایجاد نظم اجتماعی ایجاد می‌کند بسیار متفاوت بوده و نیازی به ناظم و نظارت بیرونی ندارد، بلکه ضمانت آن عامل درونی، و به عبارت دیگر، نفس لواحه است.

هدف پژوهش حاضر تبیین و روشن کردن کارکرد فقه عبادی برای ایجاد نظم خودجوش در جامعه است. به عبارت دیگر در این پژوهش سعی بر روشن نمودن این موضوع است که فقه عبادی فردی در دین مبین اسلام دارای مبانی بنیادی نظم در ابعاد مختلف زندگی مسلمانان است که براساس آن شهر اسلامی با نظم خودجوش اداره شود.

در این راستا پرسش‌های پژوهش حاضر عبارت است از: فقه عبادی چگونه مبانی رفتاری و معرفتی افراد جامعه را تغییر می‌دهد؟ این تغییر چگونه سبب می‌شود افراد به صورت خودجوش نظم را رعایت کنند؟ فقه عبادی با تأثیر بر عواطف و روان افراد جامعه چگونه باعث نظم می‌شود؟

ضرورت

فقه عبادی فردی بر زیربنایی محکم بنا شده که شامل حق الله، حق الناس و حق النفس است. این حقوق سه گانه در صورت تحقق، عوامل بی‌نظمی را از بین می‌برد. چنان که در کشورهای اسلامی به طور عام و در زندگی انسان‌های مؤمن به طور خاص، بی‌نظمی‌ای که منجر به مشکلات اجتماعی شود کمتر است؛ چراکه افراد مؤمن به دلیل انجام عبادات روزانه باید خود را از تعدی به حقوق سه گانه محافظت کنند، زیرا شرط صحت عبادات و تأثیرگذاری آنها رعایت حقوق سه گانه مذکور است. اما اینکه چگونه عبادات فردی مانع تعدی به حقوق مذکور می‌شود، نیاز به پژوهشی برای بررسی دقیق کارکرد آنها دارد. عبادات فردی چه تأثیری در افراد می‌گذارد؟ چه تغییری در شخص ایجاد می‌کند که زمینه‌های بی‌نظمی را از بین می‌برد؟ این سؤالات و امثال آن از جمله ضرورت‌های یک پژوهش برای رسیدن به کارکردهای فقه عبادی فردی برای ایجاد نظم فقهی خودجوش است. این پژوهش می‌تواند برای برنامه‌ریزی‌های فرهنگی، امنیتی و قضایی کاربرد داشته باشد، چراکه در صورت نظم و انضباط، نیاز به حضور نیروهای امنیتی و قضایی کمتر شده و فرهنگ جامعه نیز اصلاح می‌شود. در جامعه‌ای که افراد دائماً بر اعمال و رفتار خود مواظبت کنند تا مرتکب حق الناسی نشوند، هیچ جرمی و اخلاقی روی نمی‌دهد و در طول زمان امنیت و فرهنگ امانت‌داری نیز در آن جامعه محقق می‌شود.

پیشینه پژوهش

موضوع نظم خودجوش در اسلام به دلیل اهمیت آن مورد توجه پژوهشگران بوده و

در این زمینه پژوهش‌های متعددی شامل کتاب، پایان‌نامه و مقاله، نوشته شده است. در این زمینه کتابی با عنوان *نظم اجتماعی در اسلام اثر عبدالله جوان*، توسط مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما در سال ۱۳۸۴ منتشر شده است. این کتاب در چهار فصل تدوین شده و مباحثی پیرامون مباحث عمومی نظم اجتماعی مانند اهداف تشکیل نظم اجتماعی، عوامل مؤثر در حفظ و بقای نظم اجتماعی، ویژگی‌های نظم اجتماعی در سطح کلان، تبیین رابطه اسلام با نظم اجتماعی و اینکه آیا اساساً اسلام ابعاد اجتماعی دارد یا نه، اهداف، اصول و ویژگی‌های نظم اجتماعی در اسلام و نیز نقش عناصر اصلی آموزه‌های اسلام در تشکیل نظم اجتماعی اسلامی بررسی شده و در کنار آن مناسبات اجتماعی اسلام و مباحث دیگری که با نظم اجتماعی اسلامی مرتبط بوده‌اند بیان می‌شود. پایان کتاب نیز به نقش و وظایف رسانه در تحکیم و تقویت نظم اجتماعی اسلامی و نیز موانع پیش روی آن و پیشنهادهایی در این زمینه اختصاص یافته است.

در این زمینه مقالاتی چند منتشر شده است؛ از جمله فاضل حسامی در مقاله‌ای به نام «اسلام و نظم اجتماعی» که در نشریه معرفت، سال هجدهم، شماره ۱۳۹ منتشر شده است. در این مقاله فاضل حسامی نظم و انضباط اجتماعی از نظر اسلام را حاصل به هم پیوستگی و همبستگی اجتماعی می‌داند. یافته این پژوهش این است که اسلام به قانون‌مندی اجتماعی تأکید فراوانی دارد و برای ایجاد نظم باید مؤلفه‌هایی مانند ایمان به خدا، پایبندی به قانون، تشکیل حکومت، تأکید بر ازدواج و تحکیم خانوادگی، فقرزدایی، تقویت نهاد آموزش و پرورش، وفای به عهد و... در اسلام برای ایجاد نظم تدارک دیده شده است. اصغر مولائی در مقاله خود به نام «تبیین مبانی نظم اجتماعی در شهر اسلامی براساس شریعت اسلامی» که در دوفصلنامه پژوهش اسلام و علوم اجتماعی، سال دهم، شماره ۲۰ چاپ شده است، عامل نظم در شهر اسلامی را پس از تعریف شهر اسلامی و بیان نظریات متفکران اسلامی مانند علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی، عمل به شریعت اسلامی از جمله قاعده حلال و حرام در همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی در رفتارها، تعاملات، دادوستد، مصرف، گردش و تفریح را، مبانی نظم در شهر اسلامی می‌داند. مقاله دیگری که در این زمینه منتشر شده، مقاله حسن خیری با

عنوان «حق الله پایه نظم اجتماعی در فقه شیعه» منتشر شده در فصلنامه علمی-پژوهشی شیعه شناسی، سال یازدهم، شماره ۴۲، با بررسی مفهومی حق الله و حق الناس، حداقل لازم برای برقراری نظم را رعایت حق الله و حق الناس دانسته که ضامن حفظ دین، عقل، جان، مال و ناموس است. نویسنده مذکور در مقاله دیگری با عنوان «حداقل وجدان جمعی در برقراری نظم اجتماعی از دیدگاه اسلام» که در نشریه معرفت، شماره ۲۵ (۱۳۷۷) منتشر شده، حداقل عنصر لازم برای برقراری نظم از دیدگاه اسلام را وجدان جمعی به منظور برقراری نظم اجتماعی می‌داند. این وجدان جمعی از باور و احساس مشترک در اصول اعتقادی حاکم بر جامعه و احساس و باور مشترک اکثریت افراد جامعه به هنجارهای اجتماعی وضع شده است. این هنجارها برای مهار روابط نسبی، تولید مثل، باورها، احساس مشترک و ایجاد امنیت مالی، جانی و سیاسی تشکیل می‌شود. پس در جامعه‌ای که حداقل نیمی از افراد آن دارای باور و احساس مشترک در اصول اعتقادی حاکم بر جامعه‌اند و به هنجارها پایبند باشند، امنیت مالی و جانی وسیعی ایجاد می‌شود. محمدمهدی قاسم‌تبار گنجی در رساله دکتری تخصصی مدرسی معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، مرکز قم (۱۴۰۰) که با عنوان «نقد و بررسی دیدگاه پارسونز در نظم اجتماعی بر اساس قرآن کریم» دفاع شده است به این نتیجه رسیده که نظریه نظم اجتماعی پارسونز بیشتر بر بقای نظام اجتماعی تأکید دارد و آن را با تداوم هنجارها و الگوهای تعاملی مرتبط می‌سازد، علی‌رغم توجه او در کلیات عناصر پایدارکننده نظم اجتماعی، قرآن به جزئیات هم برای ضمانت اجرایی نظم اجتماعی توجه نموده است. با این رویکرد در نظام‌نامه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، قرآن از جامعیت و کمال مضاعف برخوردار است و قادر است در ایجاد، حفظ و پایداری یک نظام اجتماعی جهان‌شمول، کارآمد و جاودانه بسیار مؤثرتر از مؤلفه‌های محدود، کلی و عمدتاً مبتنی بر دیدگاه مادی در نظریه پارسونز عمل نماید. در مقاله مستخرج این پایان‌نامه، مقاله‌ای به نام «رویکرد قرآن در نظم اجتماعی نسبت به نظریه نظم اجتماعی پارسونز» در فصلنامه مطالعات آموزشی و آموزشگاهی، دوره ۱۰، شماره ۴ (۱۴۰۰) منتشر شده و همان نتیجه مذکور در پایان‌نامه را بیان کرده است. مقاله دیگری که به این

موضوع ورود کرده و به صورت عام به بحث و بررسی پرداخته و در پایان به این نتیجه رسیده که نظریه‌های ساختارگرایی، کارکردگرایی، تعاون و ارزش‌های مشترک از نظر فلاسفه و اندیشمندان مسلمان، نظریه‌های فشار یا جبر منافع مشترک، اجماع ارزشی و سکون از نظر اندیشمندان غربی استخراج شده و دیدگاه‌های تعدادی از آنها مورد بررسی، تحلیل و تطبیق قرار گرفته است (خارستانی و دیگران، ۱۳۹۸). نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که فلاسفه و اندیشمندان مسلمان در نظریه ارزش‌های مشترک محبت و عدالت با یکدیگر هم عقیده‌اند. اما دیدگاه‌های اندیشمندان غربی با یکدیگر متفاوت و در برخی موارد مخالف با یکدیگر است. تنها نظریه مشابهی که از دیدگاه‌های فلاسفه مسلمان و غربی استنتاج شد، توجه آنها به ارزش هاست، که این نظریه با دیدگاه پارسونز که به اجماع ارزش‌ها در نظم اجتماعی معتقد است، تشابهاتی دارد. در پایان‌نامه دیگری که محمدحسین صحرا بان با عنوان «بررسی عوامل و زمینه‌های نظم اجتماعی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)» در مقطع کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد (۱۳۹۳) دفاع شده، در صدد بیان این مبنا بوده که از تحلیل عبارات برگزیده متن نهج البلاغه مرتبط با نظم اجتماعی، ابعاد نظم اجتماعی از دیدگاه امام علی (علیه السلام) مشخص گردید. در بعد مفهوم‌شناختی، مفهوم حاکمیت اسلام و شاخص اصلی الهی بودن دریافت شد. در بعد زمینه‌ای مفهوم عملگرایی حق‌مدارانه، در بعد ایجاد، مفهوم اعمال صحیح قوانین دین، در بعد تقویتی، مفهوم تکریم ارزشی و در بعد کنترلی مفهوم نظارت چندسطحی دینی استخراج گردید. همچنین در بعد مناسباتی و تعاملی نظم اجتماعی به ترتیب مفاهیم مناسبات سازنده دینی و تعاملات کرامت‌محور به دست آمد. در بعد پیامد‌گرای نظم اجتماعی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)، مفهوم پیشرفت همه‌جانبه در سطح کلان و مفهوم سعادت در سطح خرد دریافت گردید. در پایان‌نامه کارشناسی ارشد، محترم حجازی طاقانکی با عنوان «نظم اجتماعی در عهدنامه مالک اشتر و ارتباط آن با آیات قرآن بر اساس تفسیر نمونه» دفاع شده در دانشگاه پیام نور، مرکز تهران جنوب، نیز به مسئله نظم اجتماعی پرداخته شده و در پژوهش مذکور تبیین نظم اجتماعی از منظر قرآن و نهج البلاغه (عهدنامه مالک اشتر) و ارائه راهکارهای ایجاد

حفظ و افزایش نظم اجتماعی براساس عهدنامه مالک اشتر و آیات قرآن پرداخته است. براساس نتایج به دست آمده از این پژوهش، اصلاحات اجتماعی به خصوص اصلاح امور اقتصادی از ملزومات برقراری نظم اجتماعی است. عمل به قرآن و سنت پیامبر، پرهیز از کم‌فروشی، آرامش بازار، رونق کسب و کار، دقت در هنگام انعقاد قراردادها، پایبندی افراد و جامعه به ارزش‌های اخلاقی، به کارگماردن مدیران نیرومند، توانا و امین، حضور حکما و دانشمندان در بدنه حکومت، اخلاق و منش رهبر و تبعیت از رهبر جامعه، وقت‌شناسی، پاسداری از سنت‌های پسندیده پیشینیان، اجرای تدریجی قوانین جدید و حذف نظام‌های غلط از دیگر عوامل برقراری و حفظ نظم اجتماعی به شمار می‌رود. همچنین پرداخت وجوه شرعی و مالیات برای اصلاح امور جامعه و برقراری نظم و آرامش جامعه، لازم و از وظایف مردم است. از طرف دیگر، فساد و هواپرستی از مهم‌ترین عوامل ایجاد بی‌نظمی اجتماعی به شمار می‌رود. بر اساس یافته‌های سراج‌زاده و پویانفر در مقاله‌ای با عنوان «دین و نظم اجتماعی: بررسی رابطه دینداری با احساس آنومی و کجروی در میان نمونه‌ای از دانشجویان»، در فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال ۱۶، شماره ۶۳ (۱۳۸۷)، هر دو متغیر احساس آنومی و کجروی با دینداری کل، رابطه معکوس معناداری دارند. هم‌چنین دینداری از طریق کاهش احساس آنومی در افراد نیز در کاهش بروز کجروی تأثیر دارد. در میان ابعاد دینداری، بعد پیامدی و بعد مناسکی دارای بیشترین رابطه همبستگی منفی هستند و ابعاد اعتقادی و تجربی کمترین رابطه را با احساس آنومی دارند.

پژوهش‌های یادشده با وجود مزیت‌هایی که دارند لکن به‌طور کلی تعالیم اسلام را مبنای پژوهش خود قرار داده‌اند، در حالی که اسلام مجموعه‌ای از معارف اعتقادی، عملی و... است. از طرفی مبحث نظم از مباحث جامعه‌شناسی بوده که با رفتار جامعه و افعال مردم سروکار دارد، به همین دلیل شایسته است این بحث در بخشی از مبانی اسلام بررسی شود که مرتبط با افعال مردم است. پژوهش حاضر نظم خودجوش را در فقه که موضوع آن افعال مکلفان و مردم است بررسی کرده و به‌نحو خاص فقه عبادی فردی را بررسی کرده که شامل اعمال فرد فرد جامعه است و هر

فرد کوچک‌ترین عضو جامعه را تشکیل می‌دهد. بنابراین مزیت این پژوهش بیانگر دقت و راهکار اسلام برای ایجاد نظم خودجوش از کوچک‌ترین قسمت جامعه را نمایش می‌دهد و این نشان‌دهنده نگاه بنیادین اسلام است که برای جامعه‌سازی از پایین‌ترین سطح شروع کرده است.

۱. مفهوم‌شناسی

در طلوعه بحث لازم است تصویر روشنی از واژگان کلیدی، پر کاربرد و مفاهیم کلی تحقیق ارائه شود.

۱-۱. کارکرد

مفهوم کارکرد در اصطلاح کارکردگرایی اثری است که پدیده‌ای اجتماعی از خود بر جای می‌گذارد (اسکیمور، ۱۳۷۲، ص ۱۴۲). جولیس گولد و ویلیام ل. کولب معتقدند اصطلاح کارکرد در کلی‌ترین مفهومی که در علم اجتماعی از آن استفاده می‌شود ظاهراً به نوعی نتیجه اشاره می‌کند. دانشمندان علوم اجتماعی واژه کارکرد را به معنای نتیجه لازم به کار برده‌اند (گولد و کولب، ۱۳۷۶، ص ۶۷۹). خلیل میرزایی معتقد است کارکرد به فعالیت، عملکرد، اثر یا هدف خاص یک فرد یا یک چیز گفته می‌شود (میرزایی، ۱۳۹۴، ص ۸۵۳). در این پژوهش مقصود از کارکرد، آثار و نتایج مطلوب و مثبتی است که فقه عبادی فردی برای ایجاد نظم خودجوش به دنبال دارد.

۱-۲. نظم

نظم در لغت به معنای کنار هم قرار گرفتن چند چیز و پیوست شدن با یکدیگر است (زبیدی، بی تا، ج ۱۷، ص ۶۸۹؛ ابن فارس، ۱۹۷۹م، ج ۵، ص ۴۴۳)؛ همچنین هر گاه چند چیز پیوست شدند و با یکدیگر همراه گشتند، نظم گفته می‌شود (فیروزآبادی، ۲۰۰۵م، ج ۱، ص ۱۱۶۲). در تعریفی دیگر نظم چنین معنا شده است: هنگامی که اجزا با یکدیگر همراه شدند و هر کدام از اجزا در جای مشخص خود براساس معیار مشخص قرار گیرند معنای نظم

کامل می‌شود (مجبوبی‌منش، ۱۳۸۵، ص ۱۶۷). برای تعریف نظم در اصطلاح نیز تعاریف گوناگونی ارائه شده است که دو تعریف از آن بیان می‌شود؛ بیرو نظم را مفهومی انتزاعی می‌داند که به هر چیزی که ویژگی خاصی داشته باشد اطلاق می‌شود (بیرو، ۱۳۷۵، ص ۳۶۸). در تعریف دیگر اسکیدمور هر گونه قانون‌مندی یا الگو در رفتار را اصطلاحاً نظم می‌داند (اسکیدمور، ۱۳۷۲، ص ۳۴). بنابراین نظم اعمال و رفتار را طبق یک الگو قرار می‌دهد و برای هر رفتاری محل و زمان مشخص می‌کند و هر گاه هر رفتاری در محل و زمان مناسب انجام شد نظم محقق می‌شود.

۱-۳. نظم اجتماعی

نظم اجتماعی سابقه‌ای طولانی در میان محققان سیاسی و اجتماعی دارد؛ به طوری که برخی از محققان اساساً فلسفه سیاسی را جستجوی نظم می‌دانند. نظم اجتماعی به طور کلی محصول مشترک بین یک گروه یا جامعه بوده که برای حفظ انسجام و همبستگی بین آحاد آن جامعه است. نظم در اثر نهادینه شدن ارزش‌ها میان کنش و واکنش افراد جامعه به وجود می‌آید. با بررسی آراء محققان سیاسی و اجتماعی می‌توان تعاریف نظم اجتماعی را به دو دسته کلی تقسیم کرد: دسته اول نظم اجتماعی را حاصل اجبار و وضع قوانین اجباری می‌دانند، و دسته دوم نظم اجتماعی را حاصل باورها و اعتقادات مشترک میان جوامع انسانی معرفی می‌کنند. توماس هابز ایجاد و بقای جامعه و نظم اجتماعی را مبتنی بر محور «قرارداد اجتماعی» می‌داند. به نظر او انسان موجودی خودخواه است و علاقه‌مند به ارضای امیال فردی است و راه کنترل او وضع قوانین است (ورسلی، ۱۳۸۸، ص ۳۷). آگوست کنت درونی کردن ارزش‌های جامعه را عامل نظم اجتماعی می‌داند (کوزر، ۱۳۸۰، ص ۵۰؛ چلی، ۱۳۷۷، ص ۹۰). دورکیم و راپاپورت عامل نظم را «نظم اخلاقی و مقدسات» می‌دانند و به عبارت دیگر نظم را مجموعه‌ای از قواعد و مقدسات می‌دانند که بر روابط اجتماعی حکم فرماست (کوزر، ۱۳۸۰، ص ۲۳؛ راپاپورت، ۱۳۸۵، ص ۴۰۱). بنابراین نظم یا حاصل عاملی درونی است که دورکیم به آن اشاره دارد یا عاملی بیرونی است که آگوست کنت و توماس هابز بر آن تأکید دارد. نظمی که حاصل عوامل بیرونی است

نظم اجباری بوده و نظمی که حاصل عوامل درونی است نظم خودجوش نامیده می‌شود.

۱-۴. فقه عبادی فردی

مراد از فقه عبادی، احکام شرعی است که غرض اُهم از آن، آخرت یعنی جلب نفع یا دفع ضرر اخروی است. عبادت به این معنا در مقابل معامله استعمال می‌شود. معامله هر حکم شرعی است که غرض اُهم آن دنیا یعنی جلب منفعت و دفع ضرر دنیوی است. به صورت کلی وضو، غسل، تیمم، نماز، روزه، خمس، اعتکاف و زکات از جمله اعمال عبادی به شمار می‌آیند. احکام شرعی مربوط به این اعمال، در بخش عبادات فقه مورد مطالعه فقیه قرار می‌گیرد (نقیبی، ۱۳۹۹ش، ص ۱۴۷). بنابراین فقه عبادی بخشی از اعمال و رفتارهایی است که نیاز به قصد قربت دارد و باید برای نزدیکی به خدا انجام شود و در صورتی که آن اعمال برای غیر خدا باشد مانند سجود یا طواف، حرام است.

۲. کارکرد فقه عبادی فردی در نظم خودجوش

فقه عبادی کهن‌ترین بخش فقه است؛ زیرا اولین رسالت پیامبر اعظم اتصال انسان به خداست. به همین دلیل گسترده‌ترین بخش فقه و مستدل‌ترین بخش فقه اسلامی در مباحث عبادی نهفته است. اولین بخش از استدلالات فقهی کتب فقهی مربوط به بخش فقه عبادی است. این بخش شامل ابواب طهارت، صلاة، زکات، صدقه، خمس، صیام و حج است. در این پژوهش فقه عبادی با واژه «فرد» تخصیص خورده و فقه عبادی فردی مورد بررسی قرار می‌گیرد که شامل ابواب صلاة، زکات، صدقه و خمس است. در این ابواب جنبه فردی آنها مدنظر بوده و آثار اجتماعی ابواب مذکور مدنظر پژوهش نیست، بلکه در این پژوهش جامعه در سطح خرد آن در نظر گرفته شده است. جامعه متشکل از افراد بوده و اعمال مجموعه افراد است که باعث رشد یا سقوط یک جامعه می‌شود. فقه عبادی فردی با در نظر گرفتن جامعه در سطح خرد آن و اصلاح تک‌تک افراد جامعه در مجموع سبب اصلاحات اجتماعی می‌شود. در این پژوهش سه کارکرد فقه عبادی فردی برای ایجاد نظم اجتماعی اشاره می‌شود.

۱-۲. کارکرد معرفتی

معرفت به معنای شناخت، تصور و تصدیق است. کارکرد معرفتی یعنی تأثیراتی که در شناخت، تصور و تصدیقات یک شخص ایجاد می‌شود. هنگامی که از کارکرد معرفتی فقه عبادی فردی سخن گفته می‌شود به این معناست که فقه عبادی فردی در شناخت مکلف، تصورات و تصدیقات او تغییر ایجاد می‌کند و نوع دید او به جهان را تغییر می‌دهد. از طرفی نوع رفتار و عمل افراد وابسته به معرفت‌شناسی و نوع دید آنهاست. اگر معرفت‌شناسی فردی بر مبنای احترام به حقوق دیگران باشد، این بینش به رفتار او جهت می‌دهد و سعی می‌کند به حقوق دیگران احترام بگذارد. فقه عبادی فردی نوع بینش و جهان‌بینی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با این تغییر باعث نظم‌دهی به اعمال و رفتار او می‌شود. حق‌الله و یقظه از جمله کارکردهای معرفتی عبادات است که در ادامه توضیح داده می‌شود.

۱-۲-۱. حق‌الله

از منظر حقوقی، هر جرمی که باعث اخلال در نظم و لطمه به مصالح اجتماعی و حقوق عمومی گردد، حق‌الله محسوب می‌شود (شیری، ۱۳۷۲، ص ۱۱۴). از لحاظ فقهی حق‌الله همه امر و نهی‌های الهی را شامل می‌شود (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۱۸۸) و شامل حق‌الناس‌ها نیز می‌شود (شهید اول، ۱۴۰۰ق، ج ۲، ص ۴۳). این تعاریف به‌طور کلی احترام به حقوق را به ذهن مخاطب القا می‌کند. به‌طور کلی حق‌الله یعنی به حقوق دیگران احترام بگذارید. از طرفی نظم نیز با رعایت حقوق دیگران حاصل می‌شود. در منابع روایی مصادیقی واضح برای حق‌الله بیان شده که به‌طور واضح احترام به حقوق دیگران را می‌رساند. در روایتی امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «مَا حَقُّ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ فَقَالَ أَنْ يَتَّقُوا مَا يَعْلَمُونَ وَ يَكْفُوا عَمَّا لَا يَعْلَمُونَ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ فَقَدْ أَدَّوْا إِلَى اللَّهِ حَقَّهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۰)؛ حق خدا بر مردم آن است که آنچه بدانند بگویند و آنچه را که ندانند نگویند؛ اگر چنین کنند به یقین حق خدا را ادا کرده و به انجام رسانده‌اند. این روایت به یکی از ریشه‌های اختلافات و عامل بی‌نظمی فردی و اجتماعی اشاره می‌کند.

چه بسیار افرادی که ندانسته و از روی ناآگاهی، عمداً یا سهواً صحبت کرده و اظهارنظر می‌کنند. این رفتارها سبب بروز مشکل و اختلافات در جامعه می‌شود. در روایتی دیگر تنبلی عامل تضييع حق الله معرفي شده است. امير مومنان عليه السلام می‌فرماید: «إِيَّاكُمْ وَالْكَسَلَ فَإِنَّهُ مَنْ كَسَلَ لَمْ يُؤَدِّ حَقَّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۱۱۰)؛ از تنبلی پرهیزید که هر کس تنبلی کند حق خداوند را ادا نکرده است. در روایتی دیگر تنبلی کلید همه شرها بیان شده است. امام باقر عليه السلام می‌فرماید: «يَا بُنَيَّ إِيَّاكَ وَالْكَسَلَ وَالْضَّجَرَ فَإِنَّهُمَا مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ إِنَّكَ إِنْ كَسَلْتَ لَمْ تُؤَدِّ حَقًّا» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۹۵)؛ ای فرزندم! از تنبلی و بی‌قراری [بی‌حوصلگی] پرهیز، چراکه این دو، کلید هر بدی هستند؛ کسی که تنبلی کند حقی را به انجام نرساند. در روایتی رسول خدا حق الله را ادای حق همسر بیان کرده و ادا نکردن حق همسر را مصداق تضييع حق خدا می‌دانند. ایشان می‌فرمایند: «لَا تُؤَدِّي الْمَرْأَةُ حَقَّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَتَّى تُؤَدِّيَ حَقَّ زَوْجِهَا» (طبرسی، بی‌تا، ص ۲۱۵)؛ حق خدا ادا نمی‌شود مگر حق همسر ادا شود. در این دسته از روایات حق الله با حق الناس مرتبط شده و به نوعی حقوق الناس به حق الله می‌رسد. حق الله به تنهایی شامل واجبات دینی می‌شود که از جانب خداوند بر انسان لازم است آنها را انجام دهد، اما چنان که در روایات مذکور بیان شد، حق الناس بالعرض نوعی حق الله است. بنابراین چون حق الله طبق رساله حقوق امام سجاد عليه السلام بزرگ‌ترین حق بر انسان است و حق الناس هم به نوعی به حق الله برمی‌گردد، رعایت حق خدا و حق مردم بر مسلمین واجب است. از طرفی با بررسی عوامل بی‌نظمی در جامعه مشاهده می‌شود که علت بی‌نظمی یا ریشه در تضييع حق خداست یا تضييع حق مردم. از این طرف وقتی به عبادات فردی نظر می‌کنیم تماماً رعایت حق خدا و حق مردم است. به همین دلیل می‌توان ادعا کرد که راه حل رفع بی‌نظمی‌ها به مراعات حق الله برمی‌گردد. بنابراین حق الله از جمله مؤلفه‌های ایجاد نظم در جامعه به شمار می‌آید.

۲-۱-۲.. یقظه

یقظه همان بیداری از غفلت است (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۲۱). انسان موجود

فراموش کاری است؛ نه تنها دیگران را فراموش می کند، بلکه بسیار می شود که به خود فراموشی نیز مبتلا می گردد و این خود فراموشی بزرگ ترین دشمن سعادت اوست. دو عامل مهم به این خود فراموشی کمک می کند؛ نخست نیازهای واقعی زندگی روزانه است، مخصوصاً در زمانی که زندگی پیچیده و پر از مشکلات شود، و دیگری نیازهای خیالی، زرق و برق ها و تشریفات آمیخته با هوا، هوس، عشق به مال، جاه و شهوات است. در این حال درست به مسافری می ماند که در دو طرف جاده، قصرهای سر به فلک کشیده و شاهدان زیاروی را می بیند که ناگهان او را از مسیر اصلی باز داشته و به پرتگاه می کشانند. این غفلت سبب می شود تمام آمال و اهداف فرد منحصر در اهداف دنیوی شود و برای رسیدن به آنها دست به هر کاری بزند و توجهی به عواقب کارهای خود نداشته باشد. فرد غافل خودبین می شود و توجهی ندارد رفتار و کردار او چه آثار سوئی برای دیگران به وجود می آورد. در این میان به وجود یک عامل بیدار کننده نیاز است. مهم ترین آثار نماز، بیدار ساختن انسان و پایان دادن به خود فراموشی است، زیرا هنگامی که یاد خدا به میان آمد، وضع به کلی دگرگون می شود. آیه شریفه «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (طه، ۱۴) که فلسفه نماز را یاد خدا می شمارد و آیه شریفه «لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ» که بعد از جمله «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (عنکبوت، ۴۵) آمده، نشان می دهد که ریشه اصلی فلسفه نماز در یاد خدا نهاده شده است، زیرا سرچشمه همه گناهان حب دنیا و دنیا پرستی است که ذکر الله، انسان را از آن باز می دارد، همان گونه که در آیه ۲۹ «نجم» می خوانیم: «فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا؛ از کسانی که از یاد ما روی بر تافته و تنها به دنیای مادی دل بسته اند، روی بگردان. طبق آیات دیگر قرآن، شیطان در اطراف قلب انسان، طواف می کند، همین که یاد خدا در آن پیدا شود می گریزد: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» (اعراف، ۲۰۱). نماز با ایجاد بیداری در فرد غفلت را از او دور کرده و به تبعات رفتار و کردار خود توجه کرده و این توجه به رفتار و کردار سبب کاهش رفتارهای مخاطره آمیز و زمینه های جرم می شود.

۲-۲. کارکرد عاطفی-روانی

کارکرد عاطفی-روانی به معنای تأثیری است که عبادات در عواطف و روان مکلف ایجاد می‌کند و سبب تغییر در رفتارهای او می‌شود. عاطفه حالتی ذهنی است که دیدگاه فرد را نسبت به مسائل مختلف نشان می‌دهد، در حالی که این مسائل برای او مهم و جزو باورهایش است و با این باورها با روش خاص خود که شامل شخصیت روانی اوست، برای تغییر در جهان تلاش می‌کند. در این حالت، فرد میل به انجام اموری پیدا می‌کند که برایش حائز اهمیت است (مولینز، ۱۴۰۰، ص ۲۷). مشاهدات تجربی نشان داده که عبادات در عواطف فرد تأثیر گذاشته و سبب تغییر در مبانی ذهنی فرد شده و میل او را به سمت امور خیر و صلاح تقویت می‌کند. انسان به وسیله سه مؤلفه عقل، علم و عواطف، رفتارهای اخلاقی پسندیده و غیرپسندیده از خود بروز می‌دهد (مکارم، ۱۳۷۷، ص ۳۴). عواطف نقش محرک‌های رفتاری و نمود اخلاق در انسان را دارند. فقه عبادی تأثیر مهمی در باورها و عواطف اشخاص دارد. این تأثیر سبب اصلاح رفتارهای افراد و هماهنگ‌شدن رفتارهای آنان با هنجارهای نظم در جامعه، و در مجموع سبب ایجاد نظم در جامعه می‌شود.

۲-۲-۱. ایجاد رأفت در قلوب مؤمنان نسبت به یکدیگر

عبادات سبب ایجاد رأفت در قلوب مؤمنان می‌شود؛ چنان که در قرآن کریم آمده است: «وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً» (حدید، ۲۷). ایجاد رأفت سبب ایجاد فضای صمیمی بین مردم می‌شود و یکی از علل اختلافات و مشکلات جامعه از بین می‌رود. برخی جرایم حاصل سنگ‌دلی و بی‌رحمی برخی مردمان نسبت به یکدیگر است و برای رسیدن به خواسته‌های خود حقوق دیگران را ضایع می‌کنند. اما با وجود فضای رأفت و رحمت بین مردم نه تنها حقوق یکدیگر را تضییع نمی‌کنند، بلکه یار و همراه یکدیگر می‌شوند. با ایجاد رأفت بین مردم یکی از ارکان ایجاد نظم حاصل می‌شود، چون یکی از عوامل تضییع حقوق از بین می‌رود.

هر گاه انسانی که پایش لغزیده و به گناه کشیده شده، بدون اینکه تعمد و اصراری داشته باشد، وقت نماز، وضو بگیرد و در پیشگاه حضرت الوهیت به راز و نیاز برخیزد و احساس شرمساری (که از لوازم بنیادی توجه به خداست) نسبت به اعمال گذشته به او دست دهد، گناه او بخشوده می شود و تاریکی از قلب او رخت برمی بندد. آری! گناه و انحراف دل را تیره و بصیرت باطن را ضعیف می سازد و پرده های غفلت و بی خبری بر جان سایه می افکنند و نماز که یاد خدا و احیای فطرت الهی است، نور و روشنی می آورد و با امواج معنوی تطهیر کننده خود آثار گذشته را می زداید و محو می کند.

غالباً افراد به صورت دفعی دست به تخلفات و جرایم بزرگ نمی زنند و پس از انجام تخلفات محدود و عدم احساس شرمندگی و توبه به سمت تخلفات و گناهان بزرگ تر می روند. نماز در افراد تأثیر عاطفی و روانی داشته و سبب می شود افراد پس از یک گناه یا تخلف احساس شرمندگی داشته باشند. این اثر عاطفی و روانی نماز مانع چشیدن تمام لذت گناه و تخلف توسط متخلف می شود. این اثر در درازمدت سبب می شود فرد تمایل خود به تخلف را از دست بدهد و در نهایت توبه نصوح انجام دهد. چنانکه در یک روایت جوانی از انصار نمازهای یومیه را با پیامبر اکرم به جماعت می خواند و بسیاری از گناهان را نیز مرتکب می شد و چون حال او را برای رسول خدا تعریف کردند، حضرت فرمود: «به زودی نمازش او را از گناهانش بازمی دارد.» چیزی نگذشت که آن جوان توفیق توبه یافت و از صحابه زاهد شد، آن گاه رسول خدا فرمود: «آیا من نگفتم که نمازش او را از گناهانش بازمی دارد؟» (گنابادی، ۱۳۷۲، ج ۱۱، ص ۲۶۴).***

۲-۳. خوش خلقی و کنترل خشم

ایستادن در برابر خالق جهان هستی و مناجات و راز و نیاز روزانه و مستمر با کردگار جهان، و اینکه روزی پنج بار با رعایت تمام آداب بندگی و در نهایت خضوع و خشوع، به نماز ایستادن، تمام افکار منفی، کبر، غرور و غضب های بی دلیل را از وجود انسان خواهد زدود. از این رو، بیشتر نماز گزاران واقعی، افرادی مثبت اندیش و خوش خلق

هستند. بنابراین، کسی که قصد تقرب و بندگی دارد، موظف است با پاک کردن لوح ضمیر خویش از هر رذیله ناپسندی همچون تندخویی و غضب نسبت به برادران دینی خویش، ناامیدی و یأس از رحمت و مغفرت الهی، تکبر و خودپسندی، در اعتلای مقام بندگی خویش بکوشد (تحریریه ستاد اقامه نماز، <https://www.namaz.ir/asare-elmi-va-pezesghi-namaz>).

۲-۴. تعدیل‌کننده حرص و طمع

یکی از عوامل بی‌نظمی و جرم و جنایات حرص و طمع انسان‌هاست. حرص و طمع افراد را وادار به انجام عمل‌های خطرناک می‌کند. برای حرص خود حاضرند حقوق مالی و جانی دیگران را به خطر بیندارند. بنابراین اگر عاملی بتواند طبیعت حریص انسان را کنترل کند، عامل بسیاری از مشکلات از بین می‌رود. نماز دارای آثار مهمی است که خداوند درباره حفظ آن دستور خاص داده است: نماز تعدیل‌کننده طبیعت حریص انسان است که هنگام سختی‌ها جزوعانه فریاد می‌زند و زمانی که خیری به او می‌رسد انحصارطلبی می‌کند: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا إِلَّا الْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ» (معارج، ۲۰-۲۴). توفیق تعدیل طبیعت هلوع، تنها نصیب نمازگزارانی می‌شود که اقامه نماز برای آنها ملکه شده باشد؛ از این رو به جای اسم فاعل «نمازگزارنده» یا فعل «نماز می‌خوانند» صفت مشببه «المُصَلِّينَ» آمده است که نشان ثبات و استمرار است. صفت مشببه در این گونه از موارد به وزن اسم فاعل است (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص ۴۷۶). حرص می‌تواند عامل غفلت نیز باشد و طبق روایتی از امام صادق غفلت خود بزرگ‌ترین فساد است. چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «أَعْظَمُ الْفَسَادِ أَنْ يَوْضَى الْعَبْدُ بِالْعَقْلَةِ عَنِ اللَّهِ تَعَالَى وَهَذَا الْفَسَادُ يَتَوَلَّدُ مِنْ طُولِ الْأَمَلِ وَالْحِرْصِ وَالْكِبْرِ» (العروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۳۹). در روایتی دیگر راه رفع غفلت را امام باقر نماز معرفی می‌کنند: «أَيُّمَا مُؤْمِنٍ حَافِظٌ عَلَى الصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَةِ فَصَلَّاهَا لَوْفَتْهَا فَلَيْسَ هَذَا مِنَ الْعَافِلِينَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۷۰). بنابراین نماز غفلت‌زدا و عامل بیداری است.

روان آرام از جمله گمشده‌های جهان امروز و یکی از عوامل ایجاد بی‌نظمی در دنیای امروز است. شخصی که آرامش روانی ندارد نمی‌تواند به‌درستی تصمیم بگیرد. عبادات تأثیر مهمی در ایجاد آرامش روانی افراد دارد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»؛ ذکر خدا که شامل همه عبادات نیز می‌شود عامل آرامش و اطمینان قلب است. «دیل کارنگی» روان‌شناس مشهور غرب می‌نویسد: «در آمریکا، به‌طور متوسط در هر ۳۵ دقیقه یک نفر خودکشی می‌کند و در هر دو دقیقه یک نفر دیوانه می‌شود. اگر این مردم از تسکین خاطر و آرامش، که دین و عبادت به آدمی می‌بخشد، بهره‌مند بودند، ممکن بود از اغلب این خودکشی‌ها و بسیاری از دیوانگی‌ها جلوگیری شود» (کلباسی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۸۷).

۲-۳. کارکرد رفتاری

کارکرد رفتاری عبادات فردی بازتابی از عبادات بوده که به رفتارهای فرد نظم می‌بخشد و شعاع آن به همه رفتارهای فردی و اجتماعی گسترش می‌یابد. عبادات صرفاً اعمال ظاهری نیست، بلکه برای صحت و اثرگذاری عبادات باید بر همه رفتارها و کردارها مواظبت کرد. این مواظبت سبب جهت‌دهی اعمال فرد شده و اعمال فرد منظم می‌شود. با منظم شدن رفتارهای افراد جامعه، جامعه‌ای منظم تشکیل می‌شود. در این بخش به کارکردهای رفتاری عبادات فردی که سبب منظم شدن رفتارها می‌شود اشاره می‌شود؛ مانند روزه که یکی از عبادات واجب مسلمانان است، و در پرورش و تهذیب نفس تأثیر بسزایی دارد و سبب تقویت اراده انسان می‌شود و می‌تواند رفتارهای صحیح زندگی را بیاموزد تا مسئولیت‌ها و وظایف خود را به‌خوبی انجام دهد. زکات نیز نوع دوستی را به انسان می‌آموزد و او را از خودمحوری و خودخواهی نجات می‌هد. کمک به هموعان موجب تقویت احساس تعلق به گروه و ایجاد احساس رضایت از خود می‌شود که چنین احساسی برای ایجاد نظم در جامعه لازم است.

۲-۳-۱. ممنوعیت غضب

امام خمینی در تحریر الوسیله در تعریف غضب می‌نویسد: «وهو الاستیلاء علی مال للغير من مال او حقّ عدواناً» (خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۶۴)؛ غضب مسلط شدن بر مال یا حق دیگری به صورت عدوانی است. شهید ثانی در مورد غضب می‌گوید: غضب از گناهان کبیره و از بدترین انواع ظلم است که عقل و شرع (کتاب، سنت و اجماع) بر زشتی آن اتفاق نظر دارند (شهید ثانی، ۱۳۸۶ق، ج ۷، ص ۱۷). در فقه عبادی غضب در صحت عبادات مانند صلوات و صوم و زکات و خمس تأثیر داشته و موجب بطلان عبادت می‌گردد. در شرایط لباس نمازگزار، مکان، آب وضو و خاک تیمم شرط شده که باید غضبی نباشد و در صورت غضبی بودن نماز باطل است (فلاح، ۱۳۹۳، صص ۴۰، ۶۳، ۹۸، ۱۰۳). این شرط رفتاری که با نوع رفتار مکلف مرتبط است یک رکن و پایه برای عبادات قرار گرفته است و یک نوع هنجار رفتاری است. با توجه به این شرط، شارع در صدد وضع یک هنجار اجتماعی بوده که مرتبط با هدف اصل دین برای ایجاد نظم در جامعه است. دین مبین اسلام یک مجموعه حلقوی برای ایجاد نظم طراحی کرده که یک حلقه آن را یکی از شروط صحت عبارات قرار داده است که با عنوان غضب بیان می‌شود؛ چراکه هر مکلف روزانه حداقل ۵ نماز باید بخواند و روزانه موظف است بر غضبی نبودن مکان، لباس و آب وضوی خود محافظت کند. با این محافظت یکی از حلقه‌های مجموعه حلقوی ایجاد نظم حاصل می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

۲-۳-۲. صبر در برابر شهوات

در مبارزه با هوس و رهایی از رذایل درونی، و پایداری و پیروزی در برابر دشمن بیرونی، صبر و نماز هر دو سهم دارند و یکدیگر را کمک می‌کنند. بدین لحاظ که جزع و بی‌تابی که در مقابل صبر و استقامت است به وسیله نماز برطرف می‌شود، می‌توان گفت: صبر محصول نماز است، زیرا انسان اگر چه «فطرتاً» الهی و صبور است، لیکن «طبیعتاً» هلوع و جزوع است. نماز مانع هلع و جزع است و صبر را تثبیت و انسان جزوع را صبور می‌کند: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلَقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا إِلَّا

المصلین» (معارج، ۱۹-۲۳). از سوی دیگر سهم صبر در تدافع از خصم و سهم نماز در تهاجم بر دشمن آشکارتر است؛ از این رو گفته شده نماز ستون دین است: «الصلاة عمود الدین» (البرقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۴۴). از سوی دیگر، خود نماز حاصل صبر است، زیرا طاعت که باید بر آن صبر کرد شامل نماز نیز هست و کسی که نماز می‌گذارد بر این طاعت صبر می‌کند و تا انسان صبر بر طاعت نداشته باشد نماز نخواهد گذارد، از این رو خدای سبحان به رسول اکرم فرمود: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» (طه، ۱۳۲). بنابراین، نماز و صبر نسبت به یکدیگر تأثیر و تأثر متقابل دارد و همان گونه که درجه‌ای از صبر به نماز کمک می‌کند، درجه قوی‌تری از صبر به وسیله نماز پدید می‌آید و همان‌طور که مرتبه‌ای از نماز مایه ظهور صبر می‌شود مرحله برتری از نماز بر پایه صبر قرار دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۵۸۴).

۲-۳-۳. خودکنترلی

یکی از عوامل افزایش تقوا در آدمی عبادات است. خداوند در آیه‌ای که روزه را واجب کرده می‌فرماید: «کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون» (بقره، ۱۸۳). در این آیه خداوند صریحاً غایت روزه را رسیدن به تقوا معرفی کرده است. با تنقیح مناظ نیز می‌توان گفت بقیه عبادات نیز با همین غایت وضع شدند و رسیدن به تقوا هدف بوده است. اگر بخواهیم تقوا را در معنایی جدید و امروزی بیان کنیم، معنای آن خودکنترلی است. به عبارت دیگر، خودکنترلی تقوا به واسطه شاخه‌های مختلفی است که به سه شاخه آن اشاره می‌کنیم:

۱. شاخه اخلاقی: بدین معنا که انسان با تقوا کارهای خلاف اخلاق انجام ندهد؛ یعنی نیروی بازدارنده اجازه غیبت و استهزا و نمایی کردن و ایداء و اذیت و تهمت زدن و مانند آن را به وی ندهد.

۲. شاخه سیاسی: منظور از تقوای سیاسی این است که به‌عنوان مثال برای رأی گرفتن پول خرج نکند و مرتکب کارهای خلاف شرع نشود و به هر وسیله ممکن به مقصد سیاسی نرسد؛ بلکه تنها از طرق مشروع اقدام کند.

۳. شاخه رسانه‌ای: روزنامه‌ها و دیگر رسانه‌ها نیز باید تقوا داشته باشند، چون بی‌تقوایی سبب می‌شود خبر کوچکی را که به نفع آنهاست به‌عنوان خبری بزرگ جلوه دهند و خبر مهمی را که به ضررشان است کوچک و کم‌اهمیت جلوه دهند. بی‌تقوایی رسانه‌ای سبب می‌شود اخبار مربوط به حزب و گروه و جناح خود را در سطح عالی پوشش داده و حتی درباره آن مبالغه و اغراق کنند و خبرهای جناح‌های مخالف را پوشش ندهند، یا به‌صورت دست‌وپا شکسته و با تحریف منعکس کنند. اگر رسانه‌ها تقوای لازم را داشته باشند وضع جامعه بهتر از این خواهد بود، همان‌گونه که اگر محیط سیاسی و اخلاقی اجتماع مزین به تقوا باشد آثار فراوان آن سراسر جامعه را در بر خواهد گرفت (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۵۸۴).

۲-۳-۴. افزایش اعتماد اجتماعی

از جمله کارکردهای رفتاری عبادات افزایش اعتماد اجتماعی است. اعتماد اجتماعی حاصل امانت‌داری بین انسان‌هاست. هرچه امانت‌داری بین روابط انسانی افزایش یابد، اعتماد عمومی یا اعتماد اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. خداوند در توصیف نمازگزاران می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (مؤمنون، ۸)؛ نمازگزاران کسانی هستند که امانت‌ها و پیمان‌های خود را رعایت می‌کنند. بنابراین یک نمازگزار واقعی کسی است که در زندگی روزمره خود امانت‌داری کند. از طرف دیگر نماز باعث افزایش ایمان و تقوا شده و این دو عامل خود نیرومندترین سد در برابر گناه و بی‌اعتمادی هستند و این همان چیزی است که در قرآن به‌عنوان نهی از فحشا و منکرات بیان شده و همان است که در احادیث متعددی می‌خوانیم: افراد گناهکاری بودند که شرح حال آنها را برای پیشوایان اسلام بیان کردند و آنها فرمودند: غم مخورید، نماز آنها را اصلاح می‌کند و کرد. به‌طور خلاصه تمام عوامل بی‌نظمی و اختلافات ذیل مفهوم فحشا و منکر قرار می‌گیرد و نماز باعث دوری از فحشا و منکر است. فحشا و منکر نیز مهم‌ترین عوامل نابودکننده اعتماد اجتماعی است. بنابراین با دوری‌جستن از فحشا و منکر به کمک عبادات از جمله عبادات فردی، اعتماد به جامعه برمی‌گردد.

نتیجه‌گیری

نظم اجتماعی از ضرورت‌های لاینفک بقا و استمرار جامعه است. اسلام نیز به‌عنوان یک دین که احترام به کرامت انسانی از ارکان مهم برنامه‌های اجتماعی آن است، در ابتدا برای ایجاد نظم به کرامت و عزت انسان توجه کرده و با نظم خودجوش درصدد ایجاد نظم در جامعه است. این الگو برخلاف الگوهای نظم اجتماعی دیگری که معرفی شده از مزیت‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی نیز برخوردار است و فرد با احساس رضایت درونی و باطنی، خود را موظف به احترام به هنجارها و مقررات می‌داند. این مزیت برخلاف الگوهای دیگر است که براساس شاکله اجبار و نارضایتی شکل گرفته است. مزیت این الگو تا حدی است که هنگامی که فرد پای خود را از حدود فراتر گذارد با جان و دل به اجرای حدود تن می‌دهد. وقتی این مزایا را در کنار الگوهای نظم جوامع سکولار در نظر بگیریم که برای ایجاد نظم انواع و اقسام سازمان‌های گوناگون و قوانین و مقررات اجباری را با صرف هزینه‌های گزاف ایجاد می‌کنند و نتیجه‌ای نیز نداشته است، عزت و کرامت انسانی را نیز خدشه‌دار کرده‌اند، اهمیت این نظم حاصل از فقه عبادی فردی دوچندان می‌شود. بنابراین فقه عبادی فردی با ایجاد روحیه نظم‌مداری در افراد و رعایت حقوق دیگران، جامعه را به سمت نظم خودجوش سوق می‌دهد. این روحیه نظم‌مداری در افراد به واسطه اصلاحات رفتاری، معرفتی و روانی محقق شده و این مزیت ویژه در فقه عبادی فردی نهفته است.

پژوهشگاه تحقیقات فقهی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

* قرآن کریم

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۳۶۳). تحف العقول. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
ابن فارس، احمد. (۱۹۷۹م). معجم مقاییس اللغة (ج ۵). بیروت: دارالفکر.
اسکیدمور، ویلیام. (۱۳۷۲). تفکر نظری در جامعه‌شناسی. تهران: نشر سفیر.
البرقی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱ق). المحاسن (چاپ دوم). قم: دارالکتب الاسلامیه.
بیرو، آلن. (۱۳۷۵). فرهنگ علوم اجتماعی (مترجم: باقر ساروخانی). تهران: انتشارات کیهان.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۷). تفسیر تسنیم (ج ۱۱). قم: انتشارات اسراء.
جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). تفسیر تسنیم (ج ۷). قم: انتشارات اسراء.
جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۴). تحریر ایقاظ النائمین (ج ۱)، قم: اسراء.
جوان، عبدالله. (۱۳۸۴). نظم اجتماعی در اسلام. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.
چلبی، مسعود. (۱۳۷۷ش). جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی (چاپ اول). تهران: نشر نی.

حجازی طاقانکی، سید محترم. (۱۳۹۶). «نظم اجتماعی در عهدنامه مالک اشتر و ارتباط آن با آیات قرآن براساس تفسیر نمونه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران جنوب، دانشگاه پیام نور، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.

حسامی، فاضل. (۱۳۸۸). «اسلام و نظم اجتماعی»، مجله معرفت، ۱۸ (۱۳۹)، صص ۱۱-۳۴.
خارستانی، فیاض؛ خورسندی، اسماعیل؛ ایران‌دخت، علی. (۱۳۹۸). «مطالعه تطبیقی نظم اجتماعی از دیدگاه اندیشمندان و فیلسوفان مسلمان و غربی»، مجله پژوهش‌های علم و دین، ۱۰ (۲)، صص ۷۵-۱۰۵.

- خمینی، روح‌الله. (بی‌تا). *تحریر الوسيلة* (ج ۲). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خیری، حسن. (۱۳۷۷). «حداقل وجدان جمعی در برقراری نظم اجتماعی از دیدگاه اسلام»، *مجله معرفت*، ۲۵، صص ۷۸-۸۱.
- خیری، حسن. (۱۳۹۲). «حق‌الله پایه نظم اجتماعی»، *فصلنامه شیعه‌شناسی*، ۱۱ (۴۲)، صص ۱۱۵-۱۳۸.
- راپاپورت، آمس. (۱۳۸۵). *مشأ فرهنگی مجتمع‌های زیستی* (مترجم: راضیه رضازاده، چاپ چهارم). تهران: انتشارات علم و صنعت.
- زییدی، المرتضی. (بی‌تا). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دار الفکر.
- سراج‌زاده، سید حسین؛ پویانفر، محمدرضا. (۱۳۸۷). «دین و نظم اجتماعی: بررسی رابطه دینداری با احساس آنومی و کجروی در میان نمونه‌ای از دانشجویان»، *فصلنامه مسائل اجتماعی ایران*، ۱۶ (۶۳)، صص ۷۱-۱۰۵.
- شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۰۰ق). *القواعد والفوائد* (محقق: سید عبدالهادی حکیم، ج ۲). قم: افست.
- شهید ثانی. (۱۳۸۶ق). *الروضة البهية في شرح اللمعة* (محقق: سید محمد کلانتر، ج ۷). بی‌جا: بی‌نا.
- شیری، عباس. (۱۳۷۲). *سقوط مجازات در حقوق کیفری اسلام و ایران*. تهران: مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی شهید بهشتی.
- صحرا بان، محمدحسین. (۱۳۹۳). «بررسی عوامل و زمینه‌های نظم اجتماعی از دیدگاه امام علی علیه السلام در نهج البلاغه»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، یزد، دانشکده علوم اجتماعی، گروه جامعه‌شناسی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (بی‌تا). *مکارم الاخلاق*. قم: مؤسسه‌العلمی للمطبوعات.
- العروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعة. (۱۴۱۵ق). *تفسیر نورالثقلین* (ج ۴). قم: انتشارات اسماعیلیان.

- فلاح‌زاده، محمدحسین. (۱۳۹۳). آموزش احکام. قم: نشر معروف.
- فیروز آبادی، محمد بن یعقوب. (۲۰۰۵م). قاموس المحيط (ج ۱). بیروت: مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع.
- قاسم تبار گنجی، محمدمهدی؛ فلاح‌نژاد، حمید؛ دادجو، یداله؛ ضمیری، محمدرضا. (۱۴۰۰). «رویکرد قرآن کریم در نظم اجتماعی نسبت به نظریه نظم اجتماعی پارسونز»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات آموزشی و آموزشگاهی، ۱۰ (۴)، صص ۳۶۳-۳۹۰.
- قاسم تبار گنجی، محمدمهدی. (۱۴۰۰). «نقد و بررسی دیدگاه پارسونز در نظم اجتماعی بر اساس قرآن کریم»، رساله دکتری تخصصی مدرسی معارف اسلامی، قم، دانشگاه پیام نور.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ج ۱، ۳، چاپ چهارم). تهران: انتشارات اسلامیة.
- کلباسی، مجتبی. (۱۳۸۰). یکصد پرسش و پاسخ درباره نماز. تهران: ستاد اقامه نماز.
- کوزر، لوئیس. (۱۳۸۰). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات علمی.
- گولد، کولب؛ جولوس، ویلیام ل. (۱۳۷۶). فرهنگ علوم اجتماعی (جمعی از مترجمان). تهران: نشر مازیار.
- مبلغی، احمد. (۱۳۸۴). سرمقاله فقه سیاسی، فصلنامه فقه، شماره پیاپی ۴۵، صص ۳-۱۰.
- محبوبی‌منش، حسین. (۱۳۸۵). «تأملی کوتاه درباره آسیب‌های اجتماعی به‌عنوان مسئله امنیت عمومی»، فصلنامه دانش انتظامی، ۳، صص ۹-۳۱.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن. قم: مدرسه‌الامام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام.
- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم. (۱۴۲۳ق). فقه القضاء (ج ۲)، قم: دانشگاه مفید.
- مولایی، اصغر. (۱۳۹۷). «تبیین نظم اجتماعی در شهر اسلامی براساس شریعت اسلامی»، مجله اسلام و علوم اجتماعی، ۱۰ (۲۰)، صص ۲۱-۴۰.
- مولینز، آرتی. (۱۴۰۰). خدا و عواطف (مترجم: زینب‌سادات میرشمسی). تهران: آن‌سو.

میرزایی، خلیل. (۱۳۹۴). فرهنگ توصیفی علوم اجتماعی، تهران: نشر فوژان.
نقیبی، ابوالقاسم. (۱۳۹۹ش). «قاعده‌گزینی در فقه عبادی»، مجله آموزه‌های فقه عبادی، دانشگاه
علوم اسلامی رضوی، ۱ (۱)، صص ۱۴۷-۱۶۴.
ورسلی، پیترو. (۱۳۸۸). نظریه‌های جامعه‌شناسی نظم (مترجم: سعید معیدفر). تهران: انتشارات
تیبان.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

* The Holy Quran

- Al-Arusi al-Huwayzi, A. b. J. (1994). *Tafsir Nur al-Thaqalayn* (Vol. 4). Qom: Isma'iliyan Publications. [In Arabic]
- Al-Barqi, A. b. M. (1952). *Al-Mahasin* (2nd ed.). Qom: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Arabic]
- Al-Shahid al-Awwal, M. b. M. (1980). *Al-Qawa'id wa al-Fawa'id* (S. A. Hakim, Ed., Vol. 2). Qom: Offset. [In Arabic]
- Al-Shahid al-Thani. (1966). *Al-Rawda al-Bahiyya fi Sharh al-Lum'a* (S. M. Kalantar, Ed., Vol. 7). [In Arabic]
- Biro, A. (1996). *Dictionary of social sciences* (B. Saroukhani, Trans.). Tehran: Keyhan Publications. [In Persian]
- Chalabi, M. (1998). *Sociology of order: Explanation and theoretical analysis of social order* (1st ed.). Tehran: Ney Publications. [In Persian]
- Coser, L. (2001). *Life and thought of great sociologists*. Tehran: Elmi Publications. [In Persian]
- Falahzadeh, M. H. (2014). *Fiqh rulings education*. Qom: Maroof Publishing. [In Persian]
- Firuzabadi, M. b. Y. (2005). *Qamus al-Muhit* (Vol. 1). Beirut: Mu'assasat al-Risala. [In Arabic]
- Gould, K., & Julius, W. L. (1997). *Dictionary of social sciences* (Various translators). Tehran: Maziar Publications. [In Persian]
- Hejazi Taqanaki, S. M. (2017). *Social order in Malik Ashtar's covenant and its relation to Quranic verses based on Tafsir Nemooneh* (Master's thesis). Tehran South, Payam Noor University, Faculty of Theology and Islamic Studies. [In Persian]
- Hesami, F. (2009). *Islam and social order*. *Ma'rifat Journal*, 18(139), 11-34. [In Persian]

- Ibn Faris, A. (1979). *Mu'jam Maqayis al-Lugha* (Vol. 5). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Ibn Shuba Harani, H. b. A. (1984). *Tuhaf al-Uqul*. Qom: Jamiat-e Modarresin Publications. [In Arabic]
- Javadi Amoli, A. (2008). *Tafsir Tasnim* (Vol. 11). Qom: Esra Publications. [In Persian]
- Javadi Amoli, A. (2009). *Tafsir Tasnim* (Vol. 7). Qom: Esra Publications. [In Persian]
- Javadi Amoli, A. (2015). *Tahrir Iqaz al-Na'imin* (Vol. 1). Qom: Esra. [In Persian]
- Javan, A. (2005). *Social order in Islam*. Qom: Islamic Research Center of IRIB. [In Persian]
- Kalbasi, M. (2001). *One hundred questions and answers about prayer*. Tehran: Setad Eqameh Namaz. [In Persian]
- Kharestani, F., Khorsandi, E., & Irandokht, A. (2019). *Comparative study of social order from the perspective of Muslim and Western philosophers*. *Journal of Science and Religion Research*, 10(2), 75-105. [In Persian]
- Kheiri, H. (1998). Minimum collective conscience in establishing social order from the perspective of Islam. *Ma'rifat Journal*, 25, 78-81. [In Persian]
- Kheiri, H. (2013). *Haq Allah as the basis of social order*. *Shi'a Studies Quarterly*, 11(42), 115-138. [In Persian]
- Khomeini, R. (n.d.). *Tahrir al-Wasilah* (Vol. 2). Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- Kulayni, M. b. Y. (1987). *Al-Kafi* (Vols. 1, 3, 4th ed.). Tehran: Islamiyya Publications. [In Arabic]
- Mahbubi Manesh, H. (2006). A brief reflection on social harms as a public security issue. *Police Knowledge Quarterly*, 3, 9-31. [In Persian]
- Makarem Shirazi, N. (1998). *Ethics in the Quran*. Qom: Madrasat al-Imam Ali b. Abi Talib. [In Persian]
- Mirzaei, K. (2015). *Descriptive dictionary of social sciences*. Tehran: Fojan

- Publications. [In Persian]
- Moballegghi, A. (2005). Editorial of political jurisprudence. *Journal of Fiqh*, 45, 3–10. [In Persian]
- Molaei, A. (2018). Explaining social order in Islamic cities based on Islamic law. *Islam and Social Sciences*, 10(20), 21–40. [In Persian]
- Mousavi Ardebili, S. A. (2002). *Fiqh al-Qada'* (Vol. 2). Qom: Mofid University. [In Arabic]
- Mullins, A. T. (2021). *God and emotions* (Z. S. Mirshamsi, Trans.). Tehran: Ansoo. [In Persian]
- Naqibi, A. (2020). Rule-making in devotional jurisprudence. *Fiqh Teachings Journal, Islamic Sciences University of Razavi*, 1(1), 147–164. [In Persian]
- Qasemtabar Ganji, M. M. (2021). *Critique and review of Parsons' theory of social order based on the Quran*. (Doctoral dissertation). Qom, Payam Noor University. [In Persian]
- Qasemtabar Ganji, M. M., Falahnejad, H., Dadjou, Y., & Zamiri, M. R. (2021). The Quranic approach to social order compared to Parsons' theory of social order. *Educational and School Studies Research Quarterly*, 10(4), 363–390. [In Persian]
- Rapoport, A. (2006). *The cultural origins of residential complexes* (R. Rezazadeh, Trans., 4th ed.). Tehran: Elm va Sanat Publications. [In Persian]
- Sahraban, M. H. (2014). *Examining the factors and foundations of social order from Imam Ali's perspective in Nahj al-Balagha* (Master's thesis). Yazd, Faculty of Social Sciences, Department of Sociology. [In Persian]
- Serajzadeh, S. H., & Pouyanfar, M. R. (2008). Religion and social order: Examining the relationship between religiosity, anomie, and deviance among a sample of students. *Iranian Social Issues Quarterly*, 16(63), 71–105. [In Persian]
- Shiri, A. (1993). *The abolition of punishment in Islamic and Iranian criminal law*. Tehran: Shahid Beheshti University Press. [In Persian]

Skidmore, W. (1993). *Theoretical thinking in sociology*. Tehran: Safir Publications.
[In Persian]

Tabarsi, F. b. H. (n.d.). *Makarim al-Akhlaq*. Qom: Mu'assasat al-A'lami lil-Matbu'at.
[In Arabic]

Worsley, P. (2009). *Theories of social order in sociology* (S. Moeidfar, Trans.).
Tehran: Tiban Publications. [In Persian]

Zobeidi, A. (n.d.). *Taj al-'Arus min Jawahir al-Qamus*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱۹۳

فقه
پایه

کارکرد فقه عبادی فردی برای ایجاد نظم خودجوش در جامعه